هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش
هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

# مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

سرمقاله

**مواد مخدر چالش فزایندهٔ دولت** ص۲

**د اسلامي نړۍ د عالمانو تر منځ د همغږۍ اړتیا** ۳ مخ

**گرگان گرسنه و رمهٔ بی شبان** ص۳

**آلودگی صوتی مشکل دیگر زیست محیطی در جامعهٔ ما** ص۵

دور ششم سال ششم شمارهٔ هفدهم شنبه ۱۰ سنبله ۱۳۸٦ ۱۸ شعبان المعظم ۱٤۲۸ - 02 September 2007



## ششمین سالگرد شهادت قهرمان ملی در ایران تجلیل می شود

امسال از ششمین سالگرد شهادت قهرمان ملی افغانستان شهید مسعود در ایران به گونهٔ رسمی تجلیل می شود. دفتر همکاری های علمی و بین المللی دانشگاه فردوسی مشهد به تاریخ ۱۳ ماه روان

ادامه درص۸

رئیس جمهور حامد کرزی:

## نیروهای خارجی مستقر در افغانستان در قاچاق مواد مخدر دخالت دارند



حامد کرزی در سومین کنفرانس ملی مبارزه با مواد مخدر در کابل نیروهای خارجی مستقر در افغانستان و مافیای بین المللی را در قاچاق مواد مخدر دخیل دانست.

حامد کرزی محو مواد مخدر را وظیفهٔ فرد فرد جامعهٔ افغانستان دانسته افزود: همه مسؤولند تا علیه این آفت جهان شمول مبارزهٔ قاطعانه نمایند.

سومین کنفرانس ملی مبارزه علیه مواد مخدر صبح روز چهارشنبه توسط وزارت مبارزه علیه مواد مخدر با حضور رئیس جمهور، وزراء، والیان و قوماندانان امنیهٔ ۳۴ ولایت، علمای دین، نمایندگان پارلمان و نمایندگان کشورهای کمک کننده در عرصهٔ مبارزه بر ضد مواد مخدر در کابل برگزار گردید.

این کنفرانس در حالی برگزار می شود که امسال نسبت به سال گذشته ۱۷ در صد کشت کوکنار و تولید مواد مخدر افزایش یافته به ۸۲۰۰ تن رسیده است.

به عقیدهٔ کارشناسان، یگانه علت افزایش کشت مواد مخدر در ولایت ننگرهار، هلمند، قندهار، ارزگان، فراه و نیمروز، عدم تأمین امنیت از سوی دولت می باشد.

افزایش کشت مواد مخدر در ولایاتی صورت گرفته است که گروه طالبان با نیروهای دولتی و ناتو در حالت جنگ قرار دارند، در این میان ولایت هلمند بیش از سایر ولایت ها تولیدات داشته است. تولید مخدرات در این ولایت به صد در صد رسیده است. آخرین گزارشی که از سوی سازمان ملل متحد منتشر گردیده است نشان می دهد که ۱۳ ولایت شمال از کشت کوکنار پاکسازی شده است.

وزارت دفاع:

## ملا برادر فرمانده ارشد طالبان کشته شد

وزارت دفاع اعلام کرد، روز پنجشنبه "ملا برادر"، یکی از رهبران طالبان در ولایت هلمند کشته شد. اما سخنگوی طالبان این خبر را تکذیب نموده است.

ملا برادر قبل از فروپاشی دولت طالبان یکی از فرماندهان ارشد نیروهای طالبان به شمار می رفت، در حال حاضر در ولایت هلمند دسته های مسلح طالبان را رهبری می نمود.

ملا برادر یکی از اعضای رهبری طالبان و همکار نزدیک ملا محمد عمر بود.

مقامات طالبان پیشتر نیز گزارش های مبنی بر کشته شدن اعضاو فرماندهان خویش را رد می کردند اما پس از آن این گزارش ها تأیید می شد. در صورتی که خبر مرگ ملا برادر صحت داشته باشد، بعد از کشته ملا داد الله فرمانده دیگر طالبان این آخرین کشته از فرماندهان طالبان به حساب می آید.

## عبدالله گل رئیس جمهور ترکیه شد



عبدالله گل عضو حزب حاکم عدالت و توسعه ترکیه و وزیر خارجه کنونی آن کشور، در دور سوم انتخابات ریاست جمهوری با کسب اکثریت آراء انتخاب شد.

عبدالله گل درپارلمان ۵۵۰ عضوی ترکیه، ۳۳۹ رای به دست آورد. بعد از تأسیس جمهوری ترکیه توسط کمال اتاترک در سال ۱۹۳۲، این نخستین بار است که، یک سیاستمدار دارای گرایش های دینی عالی ترین پست را در ترکیه بر عهده می گیرد.

با به دست آوردن مقام ریاست جمهوری توسط یکی از

ادامه درص۸

## بحران گروگانان کوریایی پایان یافت



در پی مذاکرات مستقیم میان نمایندگان کوریای جنوبی و گروه طالبان هر دو جانب بر سر آزادی گروگانان کوریایی که در اسارت طالبان به سر می برند موافقت نمودند.

گروگانان که شمار آنان به نزده تن می رسید توسط متنفذین قومی به دفتر صلیب سرخ منتقل شدند و از آنجا تسلیم مقامات کوریایی گردیدند.

۲۳ نفر از اتباع کوریایی از طریق زمین از کابل به قندهار مسافرت نمایند از طرف طالبان در ولایت غزنی دستگیر گردیدند که، یک و نیم ماه پیش که می خواستند.

سخنگویان کوریا و گروه طالبان ظاهراً اعلان نمودند، این گروگانان بعد از آن رها شدند که کوریا تعهد نموده است ۲۰۰ سرباز خود را تا پایان سال مسیحی ۲۰۰۷ از افغانستان اخراج نموده و از سفر مبلغان مسیحی به افغانستان جلوگیری می نماید. اما برخی ها رهایی گروگانان کوریایی را در نتیجهٔ پرداخت پول از طرف کوریا می دانند، دولت کوریا پرداخت پول به طالبان را رد نموده است.

طالبان قبلاً تقاضای رهایی زندانیان طالب را مطرح نموده بودند که در اختیار دولت زندانی می باشند. اما دولت هر نوع مبادلهٔ زندانیان طالب با گروگانان را رد کرد.

طالبان از گروگان گیری اتباع خارجی به عنوان تاکتیک در مبارزه علیه دولت استفاده می کنند در حادثهٔ اخیر گروگان گیری اتباع کوریای جنوبی و مذاکرات مستقیم با آن کشور، طالبان موفق شدند یکی از کشورهای عضو ائتلاف بین المللی مبارزه با تروریسم را به میز مذاکره بکشند و سر انجام آن کشور را وادار به عقب نشینی از افغانستان نمایند.

در صورتی که دریافت پول توسط طالبان صحت داشته باشد ممکن است پول هنگفتی مبادله شده باشد که طالبان می توانند در جنگ علیه دولت افغانستان و نیروهای ناتو از آن استفاده نمایند.

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس : کابل- بهارستان ـ جادهٔ معین الدین چشتی ـ کوچهٔ قصابی دست چپ ـ کوچهٔ پنجم ـ خانهٔ پنجم
شمارهٔ تلفن: ۰۷۰۰۲۸۵۱۳۹
Website: www.mujahidweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo. com

## سرمقاله

# مواد مخدر چالش فزایندهٔ دولت

رئیس جمهور افغانستان در سومین همایش سالانهٔ والیان و فرماندهان پلیس افغانستان که روز چهارشنبه ۷ سنبله در شهر کابل برگزار گردید نیروهای خارجی را در افزایش تولید مواد مخدر مقصر اعلام نمود وی اظهار داشت، مردم افغانستان در قاچاق مخدرات سهمی ندارند این کار توسط مافیای جهانی و جامعهٔ بین المللی صورت می گیرد.

معمولاً رئیس جمهور همه ساله در این همایش ها سخنان جدی و به یاد ماندنی ایراد می نماید، در نخستین نشست این همایش در دو سال پیش وی گفته بود اگر ما مواد مخدر را نابود نکنیم، مواد مخدر ما را نابود خواهد کرد. اما بعد از پایان این جلسات و اقدام های دیگر دولت، نه تنها کاهشی در میزان تولید مخدرات به میان نیامد بلکه همه ساله این مواد کشنده رشد دو رقمی داشته است.

طبق آمار منتشر شده توسط سازمان ملل امسال میزان تولید مواد مخدر در کشور ۱۷ در صد افزایش داشته به ۸۲۰۰ تن رسیده است. در این گزارش ذکر شده است که افزایش تریاک در ولایات جنوب افغانستان محل فعالیت گروه طالبان صورت گرفته است.

این گزارش رابطهٔ مستقیم مواد مخدر با گروه مسلح طالبان را به اثبات می رساند. از یک سو طالبان از مواد مخدر در آمد به دست می آورند و از دهقانان و تولید کنندگان و فروشندگان مواد مخدر مالیه می گیرند و از جانب دیگر دهقانان و فروشندگان مواد مخدر جهت جلوگیری از تخریب مزارع خود توسط دولت و یا نیروهای خارجی، از طالبان حمایت می کنند و تا زمانی که این رابطه میان مواد مخدر و گروه های مسلح مخالف وجود داشته باشد گسترش حاکمیت دولتی چندان امیدوار کننده نخواهد بود.

در این زمینه رابطهٔ مواد مخدر با فقر در جامعه قابل ذکر است. فقر عامل مهم کشت تریاک در افغانستان است در آمد کشت تریاک در بسیاری نقاط افغانستان بیشتر از کشت حبوبات دیگر می باشد، بناءً دهقانان به منظور به دست آوردن حد اقل هزینهٔ زندگی خویش به کشت تریاک روی می آورند. برای قانع کردن دهقانان جهت دست کشی از کشت تریاک باید، یک برنامهٔ وسیع به منظور کاهش فقر در میان جامعه دهقانان و توسعه صنعتی کردن زراعت، روی دست گرفته شود. توسعهٔ سیستم آب رسانی و توزیع تخم های اصلاح شده و بازاریابی برای فروش تولیدات کشاورزی و ایجاد سرد سردخانه ها جهت نگهداری میوه ها و تهیهٔ وسایل پیشرفتهٔ تکنیکی برای دهقانان اقدام هایی عمده در این زمینه می باشد.

نکته یی دیگر که در مسألهٔ مواد مخدر و با استناد سخنان آقای کرزی در خور تأمل است. عدم همآهنگی جامعهٔ جهانی و دولت افغانستان در مبارزه با تولید و قاچاق مخدرات می باشد، رئیس جمهور تقصیر افزایش قاچاق مواد مخدر را به دوش خارجیان افگند.

اقدامات انجام شدهٔ دولت افغانستان و جامعهٔ جهانی مانند برپایی تشکیلات مبارزه با مواد مخدر مانند وزارت مبارزه با مواد مخدر و ایجاد معینیتی در وزارت داخله به نام معینیت مبارزه با مواد مخدر و برگزاری سمینارها و نشست ها و یا نطق های انقلابی رئیس جمهور و یا عملیات نمایشی محو کشت زارهای تریاک نتوانسته است تأثیری در جهت ریشه کن ساختن و حتی کاهش تولید مخدرات داشته باشد، آنچه گفته شد اگر دولت افغانستان و جامعهٔ جهانی صادقانه در صدد از میان برداشتن تولید و قاچاق مخدرات در افغانستان باشند، باید برنامه های عملی در زمینه مانند طرح های وسیع کاهش فقر و کمک به دهقانان و همچنان گسترش حاکمیت دولت و همآهنگی میان نیروهای خارجی و دولت افغانستان در کار مبارزه با مواد مخدر روی دست گیرند و با جدیت آن را عملی نمایند و از همه مهم تر باید دربارهٔ نیرومند کردن دولت و مؤسسات دولتی اندیشه کرد تا از اعتبار و اعتماد ملی و مردمی برخوردار شود، کاری که بدون آن نمی شود به موفقیت مبارزه بر ضد مواد مخدر چشم دوخت.

# جنگ تریاک در افغانستان



وحید مژده

دفتر مبارزه با مواد مخدر سازمان ملل متحد در افغانستان در گزارشی که اخیراً منتشر کرده گفته است که امسال تولید تریاک در افغانستان در مقایسه با سال گذشته رشدی معادل سی درصد را نشان می دهد. انتونیو ماریو کوستا مسؤول مبارزه با مواد مخدر سازمان ملل متحد در کنفرانسی مطبوعاتی گفت که این ادعا که می گویند فقر عامل کشت کوکنار در افغانستان است درست نیست. کوکنار بیشتر در آن مناطق از افغانستان کشت می شود که مردم نسبت به دیگر نقاط کشور در وضعیت اقتصادی بهتری قرار دارند.

طبق این گزارش ولایت هلمند به تنهایی تولید هشتاد درصد از مجموع تریاک تمام افغانستان را به خود اختصاص داده است. امسال در هلمند ۷۰۰ هزار هکتار زمین زیر کشت کوکنار رفته است.

این گزارش تأکید دارد که نا امنی و ضعف کنترل دولت بر مناطق وسیعی از جنوب غرب افغانستان موجب این رشد گردیده است و تروریسم و طالبان از عواید حاصله از کشت کوکنار تمویل می شوند. به عباره، دیگر نا امنی و مواد مخدر با هم پیوندی ناگسستنی دارند.

اگر ما رشد تولید تریاک را در سال های گذشته مورد دقت قرار دهیم، به رشد صعودی تولید این مادهٔ مرگ آور در کشور مواجه می شویم. در سال ۲۰۰۴ افغانستان ۴۲۰۰ تن تریاک تولید کرد. این رقم در سال ۲۰۰۶ به ۶۱۰۰ تن رسید. امسال تولید تریاک به ۸۲۰۰ تن رسیده که در سطح جهانی یک ریکارد جدید است.

این آمارها و نیز ادعای دولت افغانستان و کشورهای خارجی در مورد این که مواد مخدر در افغانستان با تروریسم رابطهٔ ناگسستنی دارد، شاخصی را در اختیار ما می گذارد و آن این که رشد تولید تریاک در افغانستان به معنی گسترش ناامنی ها، وسعت یافتن ساحهٔ کنترل طالبان و کاهش ساحهٔ کنترل دولت است. مقامات دولتی درگیر در آنچه که آن را مبارزه علیه مواد مخدر می خوانند خود اعتراف می کنند که تولید کوکنار در ولایاتی صورت می گیرد که از کنترل دولت خارج است مانند ارزگان، هلمند، قندهار، فراه، نیمروز و زابل. در سیزده ولایت که تحت کنترل دولت است، کشت کوکنار تقرب به صفر را نشان می دهد.

در افغانستان از چند سال به این طرف تشکیلات عریض وطویلی به نام وزارت مبارزه علیه مواد مخدر وجود دارد اما هرسالی که گزارش رشد تولید تریاک در افغانستان منتشر می شود، این وزارت به فعالیت می افتد تا وضع را توجیه نماید و بگوید که عامل اصلی در این وضع طالبانند اما این توجیه نمی تواند به سؤالاتی که در این زمینه موجود است، پاسخگو باشد.

درست است که تولید تریاک در مناطق تحت کنترل طالبان بدون هیچگونه محدودیتی صورت می گیرد اما دولت و حامیان بین المللی اش نمی گویند که این مواد پس از تولید در مناطق تحت کنترل طالبان چگونه راه به بازارهای منطقه و اروپا می یابد. طبق یک آمار مؤثق، نود درصد از هیروینی که در خیابان های لندن دست به دست می شود، از افغانستان به دست می آید. آیا مسیر های حمل و نقل این مواد نیز تحت کنترل طالبان است؟

می دانیم که تریاک برای مبدل شدن به هرویین نیاز به یک مادهٔ کیمیایی به نام (استیک انهایدراید) دارد. نه طالبان توان ساختن این ماده را دارند و نه کشور های همسایه آن را تولید می کنند. صدور این ماده به افغانستان در دوران طالبان برطبق تعزیرات سازمان ملل متحد کاملاً ممنوع بود اما پس از سقوط طالبان که آن تعزیرات از میان رفته است، این ماده به افغانستان از طریق بنادری وارد می شود که تحت کنترل دولت افغانستان قرار دارد و سپس در اختیار لابراتوارهایی قرار می گیرد که بیشتر در مناطق تحت کنترل طالبان قرار دارد اما این لابراتوار ها منحصر به مناطق تحت کنترل طالبان نیست.

**تریاک برای مبدل شدن به هرویین نیاز به یک مادهٔ کیمیایی به نام (استیک انهایدرایدِ) دارد. نه طالبان توان ساختن این ماده را دارند و نه کشور های همسایه آن را تولید می کنند. صدور این ماده به افغانستان در دوران طالبان برطبق تعزیرات سازمان ملل متحد کاملاً ممنوع بود اما پس از سقوط طالبان که آن تعزیرات از میان رفته است**

مادهٔ کمیایی (استیک انهایدراید) مانند تریاک و هرویین از جملهٔ مواد ممنوعه به شمار می رود ولی سؤال این است که آیا ورود این ماده از کشور های خارجی به افغانستان از طریق بنادر رسمی وسپس انتقال آن به مناطق تحت کنترل طالبان بدون دست داشتن اشخاص با نفوذ دولتی ممکن است؟

**این نکته بارها گفته شده که انتقال مواد مخدر در داخل افغانستان توسط وسایل نقلیه یی صورت می گیرد که هیچکس توان متوقف ساختن و بازرسی آن را ندارد. تاکنون ما شاهد دستگیری قاچاقبرانی بوده ایم که یک یا چند کیلو مواد مخدر را انتقال می داده اند اما تاکنون محموله یی که حاوی چند تن هرویین باشد، دستگیر نشده است**

این نکته بارها گفته شده که انتقال مواد مخدر در داخل افغانستان توسط وسایل نقلیه یی صورت می گیرد که هیچکس توان متوقف ساختن و بازرسی آن را ندارد. تاکنون ما شاهد دستگیری قاچاقبرانی بوده ایم که یک یا چند کیلو مواد مخدر را انتقال می داده اند اما تاکنون محموله یی که حاوی چند تن هرویین باشد، دستگیر نشده است. سؤال این است که هزاران تن مواد مخدری که در جنوب تولید می شود، از کدام راه ها و توسط چه کسانی به خارج منتقل می شود؟ آیا نیروهای ده ها کشور مستقر در افغانستان قادر به شناخت این افراد و دریافت این مسیر ها نیستند؟

تشویق کشت تریاک توسط طالبان در افغانستان بخشی از جنگ آنان علیه جامعهٔ جهانی به رهبری امریکاست. طالبان در سال های آغاز حاکمیتِ شان در برابر این خواست اروپا که باید جلو تولید مواد مخدر در افغانستان گرفته شود می گفتند که تا آن گاه که کشور های غیر اسلامی به منظور منحرف ساختن جوانان مسلمان، به این کشور ها شراب و فیلم های منحرف کننده و ضد اخلاقی می فرستند، ما از تولید تریاک دست نخواهیم کشید. هرچند این سیاست در دو سال اخیر حاکمیت شان تغییر کرد اما اکنون با شدت بیشتر به جنگ تریاک به عنوان بخشی از جنگ علیه غرب پرداخته اند. طالبان در این کار تنها نیستند. لااقل همسویی منافع موجب شده است تا آنان شرکای دیگری نیز داشته باشند.

سال هاست که گفته می شود جمعی از دست اندرکاران بالا رتبهء دولتی در داد وستد مواد مخدر با مافیای بین المللی دست دارند. نام بعضی از این افراد گاهی در رسانه های خارج از افغانستان آمده است اما هیچ مرجع مستقل وبی طرف در سطح بین المللی تاکنون این مسأله را بررسی ننموده است.

در دوران حاکمیت طالبان، مواد مخدر تولید شده در افغانستان از طریق مرز های زمینی به خارج منتقل می شد و در مرزهای تاجیکستان و ایران به صورت مستمر خبر از درگیری میان نیروهای مرزبان این کشورها و قاچاقچیان مواد مخدر بود اما پس از سقوط طالبان، بخش عظیمی از این مواد مرگ آور به سوی مرکز منتقل می شود. آیا این خود نمایانگر وجود یک مسیر جدید انتقال این مواد به خارج نیست؟

وقتی گفته می شود که میان مواد مخدر و تروریسم رابطهء مستقیم وجود دارد، این سخن به این معنی است که باید مبارزه با مواد مخدر به اندازهء مبارزه با تروریسم جدی گرفته شود اما آمار جدید ارائه شده از طرف سازمان ملل متحد نشان می دهد که دولت افغانستان و جامعهء جهانی دراین مبارزه توفیقی نداشته اند. تأثیرات منفی این شکست در اذهان مردم کشور های حامی دولت حامد کرزی، برای این دولت بسیار هشدار دهنده است. یک ادارهء معتبر بین المللی اخیراً به سنجش نظر مردم در مورد امکان پیروزی جنگ علیه تروریسم در افغانستان، در چهار کشور اروپایی (انگلستان، فرانسه، آلمان، ایتالیا) و کانادا پرداخته است. به گزارش آژانس خبری فرانسه، در فرانسه فقط ۱۲ درصد و در کانادا ۲۲ درصد از مردم به شکست تروریسم باور دارند. ۶۹ درصد از مردم آلمان، ۶۶ درصد از مردم ایتالیا و ۶۳ درصد از مردم انگلستان به این باورند که مبارزه علیه تروریسم در افغانستان شکست خورده است این نسبت در کانادا ۴۹ درصد بوده است. گزارش جدید سازمان ملل متحد در مورد رشد تولید تریاک در افغانستان می تواند موجب گسترش این مأیوسی در سطح بین المللی گردد.

# د اسلامي نړۍ د عالمانو تر منځ د همغږۍ اړتيا

عباسي

د لبنان د النهار ورځپاني ليکلي: "د الازهر شيخ اعلان وکړ، چې په عراق او افغانستان کې رواني جګړې مذهبي بڼه نه لري، ځکه جنګيالي دواك او قدرت لپاره جنګېږي."

شيخ محمد طنطاوي د عراق له مذهبي شيعه او سني مشرانو سره په کتنه کې وويل، چې سنيان او شيعه ټول د يوه خداى او رسول پيروان دي او روانه جګړه په هېڅ ډول د دين او مذهب جګړه نه ده، چې له يو بل سره پرې ووژني. هغه ټينګار وکړ، چې دعراق روان کړکېچ د بېلابېلو ښکيلو ډلو ترمنځ د خبرو اترو له لارې اوارېداى شي.

شيخ محمد سيد طنطاوي زياته کړه: "چې دعراق او افغانستان جګړه په هيڅ ډول مذهبي جګړه نه ده."

مخکې دکعبې امام هم په خپلو خبروکې ويلي و، چې په افغانستان او عراق کې روانه جګړه اسلامي رنګ نه لري او جګړه مار د عربو بچيان پريوه بل پلوري او بيايې په نورو په ارزانه بيه وژني. هغه دا ډول شخړې فساد ګڼلی و، چې اسلامي امت دبدمرغۍ پرلور کاږي.

د الازهر د شيخ محمدسيد طنطاوي ځرګندونې د قدر وړدي، چې د افغانستان او عراق په باب يې خپل دريځ په ډاګه کړ. که د الازهر، د عربستان سعودي، ايران، اندونيزيا، ماليزيا، ترکيه، بنګله ديش او د نورو سترو اسلامي هېوادونو د عالمانو په ګډون يو پلاوي جوړشي، چې پاکستان او عراق ته لاړ شي او هغوى چې د مسلمانانو تر منځ د بې اتفاقۍ لمبو بلولوته لمن وهي، له هغوى سره کيني، له عالمانو سره يې مباحثې وکړي او هغوى د دې ناوړه کارونو له پايلونه خبرکړي؛ نو دا به يو ستر جهاد وي، د غسې دغه عالمان کولای شي چې د تلويزيوني کانالونو له لارې نه آزاد بحثونه پيل کړي او هغوى چې د دين په نامه "پردي بچي پلوري او بيايې په ارزانه بيه وژني" ورته بلنه ورکړي چې مخامخ ورسره مناظره وکړي چې له دې لارې نه دخلکو عامه اذهان روښانه شي چې دا به دوى يو ډول "خلع سلاح" کېدنه وي.

پر دې سربېره د اسلامي هېوادونو د کنفرانس فرهنګي کوميټه کولای شي چې دپراخه تبليغاتو له لارې نه د طنطاوي ځرګندونې او هم دکعبې د امام ويناوى خورې کړې؛ ځکه د دې کنفرانس يوه موخه دا ده، چې له فرهنګي پلوه مسلمانانوته کوم فکري ګواښ متوجه وي؛ نو دلرې کولو لپاره يې بايد تبليغاتي ګامونه پورته کړي.

لويديځ په مذهب جوړونه کې مهارت لري او له دې لارې نه يې مخکې ډېر اولسونه غافل کړي هم وو، اوس يې د "القاعده" په نامه يو "بو" جوړ کړې، او ډېره يې غټه کړې او اسلامي نړۍ يې په حقيقت کې په يو ډول تبليغاتي جال کې راګېرکړې ده: نو ځکه د الازهر د شيخ او د کعبې د امام ويناوې د لويديځ په مقابل کې يو ډول ځرګند دريځ او دهغوى د چلونو په مقابل کې د تبليغاتي مبارزې پيلامه ده. او وړانديز مو دادى چې دوى دګردې نړۍ د عالمانو ترمنځ په پيوستون کې ګامونه واخلي چې بياټول په يوه خوله دغسې دريځونه ونيسي.

په اسلامي ټولنوکې عالمان د ټولنې حقيقي مشران دي؛ نو ځکه پر دوى لازمه ده، چې د خپلو ټولنو د سمې لارښوونې لپاره په مبارزاتي لارو چارو لاس پورې کړې، چې په سوله ييزتوګه واك ته ورسېږي او اسلامي نړۍ له اوسنيو ننګونو څخه وژغوري.

"جمعيت اسلامي افغانستان" په هېوادکې ديو سترسياسي ګوند په توګه د شيخ طنطاوي او د کعبې د امام د ځرګندونوپه تأييد، په هېوادکې د ثبات او امنيت منځ ته راوستو لپاره هر ډول هلوځلو ته چمتو دي او همدارنګه دا هم استقبالوي، چې د اسلامي نړۍ دعالمانو ترمنځ دې نږيوالی اړيکي رامنځ ته شي؛ ځکه د اړيکو په شتون کې اسلامی ټولنې د پرديو له منګولونه ژغورل کېداى شي.

**"جمعيت اسلامي افغانستان" په هېوادکې ديو سترسياسي ګوند په توګه د شيخ طنطاوي او دکعبې د امام د ځرګندونوپه تاييد، په هېوادکې د ثبات او امنيت منځ ته راوستو لپاره هر ډول هلوځلو ته چمتو دي او همدارنګه دا هم استقبالوي، چې د اسلامي نړۍ دعالمانو ترمنځ دې نړيوالی اړيکي رامنځ ته شي؛ ځکه د اړيکو په شتون کې اسلامی ټولنې د پرديو له منګولونه ژغورل کېداى شي**

# گرگان گرسنه و رمهٔ بی شبان

پوهنمل سید عنایت الله شاداب / استاد دانشگاه کابل

توده های مردم در درازای تاریخ زندگی بشر، یا در زیر چرخ های بی رحم نظام ها، خورد و خمیر گردیده اند و یا هم قربانی تازیانه های چکمه پوشان تحکیم اقتدار گرایی های به اصطلاح زعما و رهبران.

گویی قضا بر آن رفته است که سهم و نصیب ملت ها و توده در زندگی همین سر دادن ها برای بقای تخت و تاج هاست و بس نه چیز دیگر.

آری! همین مردمند که هنگام تجاوز بر، کرامت و غرور ملی شان آمادهٔ سربازی و جان دادن می شوند و نیز همین مردمند که در کارزار تحکیم نظام های دلخواه رهبران، چون ابزار مورد استثمار و بهره کشی قرار گرفته و بسان هیزم در تنور تأمین خواسته های آنان، می سوزند و با خون های سرخ آنان خوان ها رنگین و کاخ های هوس فرمان روایان بلند میَ شود.

بدون شک در دوران معاصر هم، پدیدهٔ استفادهٔ ابزاری از مردم در همهٔ کشورها به ویژه در کشورهای عقب نگه داشته شده ـ که بدون در نظر داشت تجارب کشورهایی همانند افغانستان که چطور با گذار از بحران، وضع نا به سامان مردم خویش را سامان بخشیده و شکوفایی نسبی را نصیب گردیدند ـ با الگو گیری از کشورهای پیشرفته ـ که بعد از طی مراحل مختلف به مرحلهٔ کنونی رسیده اند نه تنها جلو تکامل اجتماعی سیاسی و رشد اقتصادی را می گیرند که با گذشت هر سال و ماهی باعث بدبختی و تیره روزی بیشتر مردم نیز می شوند.

در روشنایی آنچه گفته آمد، اکنون بر می گردیم به مطلب پایه یی و اساسی که همانا "بی شبانی رمه و گرگان گرسنه" و مسؤولیت نشناسی رهبران در برابر زندگی مردم و فراهم سازی زمینه های تأمین نیازهای اولی آنان است.

همان گونه که همه آگاهی دارند، نظام اقتصادی افغانستان به حکم قانون اساسی، نظام متکی بر بازار آزاد است که آبشخور آن را مبادی فکری لیبرالیزم اقتصادی ـ که بر بنیاد مطلق العنانی فرد در به دست آوردن منافع، استوار است ـ تشکیل می دهد.

بر بنیاد اصل یاد شده فعالیت های اقتصادی خصوصی که فرزند مشروع اقتصاد بازار آزاد به شمار می رود، یگانه بستر و زمینه یی است که در آیینهٔ آن اقتصاد بازار آزاد قد نمایی می کند.

البته کالبد شگافی اقتصاد بازار آزاد و بحث در پیرامون ایجابیات و سلبیات آن بحثی است تخصصی و کارشناسانه که از تخصص این قلم به دور است و باید کارشناسان این عرصه به بحث در پیرامون آن بپردازند.

آنچه را که در این نوشتار می خواهم بر آن ترکیز کنم همانا اثر گذاری سلبی فعالیت های آزاد اقتصادی افراد و شرکت های خصوصی بر زندگی آحاد جامعهٔ افغانستان و مستهلکان است. در این جاست که پرسش مسؤولیت حکومت ها در برابر مردم قد علم می کند.

اساساً فلسفهٔ وجودی حکومت را دفاع از حریم ملی، تأمین امنیت، حراست از حقوق انسانی افراد جامعه و ایجاد زمینه های رفاه و فراهم سازی امکانات دسترسی به یک زندگی دور از ذلت و تشویش تشکیل می دهد.

گرچه با زاد و ظهور پدیدهٔ جهانی شدن و یا جهانی سازی که با پایان یافتن جنگ سرد و بروز نظام تک قطبی جهانی، برخی از وظائف یاد شده محل اعراب خود را از دست داده است، ولی باز هم مواردی وجود دارد ـ به ویژه در کشورهای عقب نگه داشته شده ـ که نمی توان حکومت ها را در برابر آن ها غیر مسؤول تلقی کرد.

اگر قرار بر این باشد که حکومت ها در مورد فراهم سازی زمینه های تأمین نیازهای اولیهٔ زندگی آحاد جامعه و شهروندان خود، در نقش تماشا گر قرار گیرند دیگر مقولهٔ وجود حکومت در جامعه تا جایی رنگ خود را از دست خواهد داد و این همه تحمل مصارف گزاف و سر گیج کننده در انتخابات پارلمانی و ریاست جمهوری چیزی نزدیک به عبث خواهد بود.

البته در کشورهای پیشرفته که بعد از گذرانیدن تجارب مختلف و تکامل پروسهٔ زندگی و رشد آگاهی های اقشار مختلف مردم نسبت به حقوق و وجایب شان، به مرحلهٔ فعلی رسیده و اکنون در سطح بالایی از اقتصاد ملی خود قدم گذاشته اند و مردم هم در اکثر بخش های زندگی از امتیاز های بیمه برخوردارند، شاید اقتصاد بازار آزاد و مطلق العنان گذاشتن فعالیت های اقتصادی، عاملی باشد در رشد و شگوفایی آن کشورها و آسیب رسانی از سوی آن ها هم به زندگی افراد آن قدر چشمگیر نباشد.

اما در کشور عقب مانده یی چون افغانستان که مردم آن تازه از بحران خانمان سوز چندین دهه یی رهایی یافته و در پایین ترین درجهٔ فقر قرار دارند، نظاره گری دولت ها و واگذاری امور زندگی و معیشتی مردم به فعالیت های خصوصی جز این که یاد آور همان داستان واگذاری رمه در اختیار گرگ های گرسنه باشد تداعی گر چیز دیگری نمی تواند باشد.

از آنجا که این نهادهای اقتصادی تحت عنوان فعالیت های خصوصی برخاسته از مبادی فکری لیبرالیزم اقتصادی مشغول فعالیت های اقتصادی در به دست آوردن منافع بیشتر می باشند، جز جلب مشتری بیشتر برای کالاهای خویش، مسؤولیت دیگر را نمی شناسد، و همهٔ هم و غم این گونه نهادهای اقتصادی در این امر نهفته است که چطور می توانند سود بیشتر به دست آورند ولو به قیمت در به دری مردم هم تمام شود.

باید متذکر شد که عوامل و انگیزه های مسؤولیت آفرینی در اشخاص را در سه دائرهٔ ذیل می توان به خوانش گرفت:

۱- انگیزهٔ دینی و اخلاقی
۲- انگیزهٔ قانونی
۳- انگیزهٔ وجدانی

آیا این انگیزه ها در نظام محکوم به اقتصاد بازار آزاد وجود دارد یا خیر؟

واضح و روشن است که در نظام اقتصاد بازار آزاد، برای دین و اخلاق جایگاهی را نمی توان یافت، همان گونه در سیاست و نظام های سیاسی برخاسته از مبادی فکری لیبرالیزم سیاسی ـ ماکیاولیستیْ نمی توان جایی را برای دین و اخلاق سراغ کرد.

در مورد انگیزهٔ قانونی باید تذکر داد، اگر قانونی در این مورد وجود داشته باشد همان قانونی خواهد بود که هدف اساسی آن به چنگ آوردن سود بیشتر و استثمار گسترده تر است نه چیز دیگر.

و اما در مورد انگیزهٔ وجدانی برای احساس مسؤولیت در برابر آحاد جامعه و افراد همنوع خود، باید یاد آور شد که وجدان چه دینی باشد و چه اجتماعی زادهٔ روابط و ضوابط حاکم بر اجتماع بوده و همین شرایط اجتماعی خاص است که وجدان اجتماعی را شکل می بخشد.

بناءً وجدان هم در جوامع محکوم به اقتصاد بازار آزاد، کدام مسؤولیتی را برای انسان در برابر افراد جامعه خلق نمی کند وقتی که چنین باشد، دیگر چه دورنمایی را می توان برای زندگی آحاد جامعهٔ بحران زدهٔ افغانی پیش بینی کرد؟

آیا در حاکمیت چنین جو فکری می توان امیدی به باز شدن روزنهٔ بهبود در زندگی ملت ما داشت؟

تجربه های برخاسته از فعالیت های مؤسسات خصوصی در این مدت محدود که در ناله ها و فریادهای اقشار مختلف مردم، بازتاب می یابد، خود بیانگر آن است که رابطهٔ توده های وسیع مردم با مؤسسات خصوصی همان رابطهٔ گرگان گرسنه و رمهٔ بی شبان است.

هر فعالیتی که این نهادهای اقتصادی تحت عنوان مؤسسات خصوصی به پیروی از آیات زبور اقتصاد بازار آزاد، انجام می دهند، همه برای مکیدن بیشتر خون مستهلکین است و این نهادها همان جوگ های گرسنه یی اند که "هل من مزید" گویند و هرگز از مکیدن خون های مردم سیر نمی شوند و همان گرسنه گرگانی اند که در برابر این رمهٔ بی شبان هرچه دلشان خواست انجام می دهند و همان ضرب المثل عامیانهٔ مردم مصداق پیدا می کند که: "بز در غم جان و قصاب در غم چربو"

**در کشور عقب مانده یی چون افغانستان که مردم آن تازه از بحران خانمان سوز چندین دهه یی رهایی یافته و در پایین ترین درجهٔ فقر قرار دارند، نظاره گری دولت ها و واگذاری امور زندگی و معیشتی مردم به فعالیت های خصوصی جز این که یاد آور همان داستان واگذاری رمه در اختیار گرگ های گرسنه باشد تداعی گر چیز دیگری نمی تواند باشد**

آئینهء مهتاب را با اشک های خویشتن می شویم امشب
آن آرزوهارا که در دل داشتم در گوش او می گویم امشب
می خواهم ازوی
آندم که می تابد فراز کشور من
آن گلشن من
آن دلبرمن
تصویر بردارد زدشت وکوه وباغش
از قریه های سوخته از کوخ های بی چراغش
از لاله زاران بخون آغشته اش از درد وداغش
هرجا که بیند
سروبلندی
افتاده برخاک
در دامن زرد خزان..
در معبر خشم تبر..
باسینهء چاک
هرجاکه بیند
پرپرشده برگ گلی در لحظه های بی بهاری
یا آنکه گودالِ شکستن
در پیکر شاخی توقف داده سیر زندگی را
یاآنکه دارد
گلبوته یی از عالم پژمردگی بر دوش باری
یاآنکه بیند سبزه یی را
چون کودکی خوابیده در گهوارهء پامال گشتن
بی آنکه شیر سبز بالیدن بنوشد
ازسینه های تازگی در مرغزاری
خواهم من از سیمینه مهتاب
کاینها همه را
در گلشن تصویر کارد
وانگه همه تصویرهارا
در خلوت غربت سرشت من بیارد
من جای هریک

# شعری برای مهتاب دریک شب مهتابی

عبدالآحد تارشی

صدها نهال شعله گشته از دل باغ شرر می رویم امشب
***
آئینهء مهتاب را با اشک های خویشتن می شویم امشب
آن آرزوهایی که در دل داشتم در گوش او می گویم امشب
می خواهم از وی
آندم که می تابد فراز کشور من
آن قلب من ، آن روح من، آن میهن بی یاور من
آن آشیانِ سوخته ، آن مرغ بی بال وپرمن
تصویر گیرد
از کوره های آتش جنگ
ازشیشه های خورده برسنگ
ازاشک های گشته توفان
از سیل خون کرده طغیان
از حمله ها ، از حیله ها، از دامها، از جامهای پر زخون ملت ما
از شیطنت های سیاست
از بارش تند دسائس
از ابرتاریک وسیاه رنگ ونیرنگ
از گونه گون مکر وخباثت
از تختهء شطرنج واز شطرنج بازان
از دستهای آدمک ساز
زانها که مرغ ادعارا
پرواز از بال کبوتر وام کردند
چنگال خودرا لیک پنهان
در حلقه های دام کردند
ازنعش آزادی که اندر خویشتن دفنش نمودند
آنانکه روزی
تنها زحلق او سرود زندگانی را سرودند
از کاروان رقص ها با توشه های می پرستی
برپشت توسن های مستی
با پای فرهنگ اجانب
کز پله ها وز قله ها بالا رود از بهرفتح برترین اوج تمدن!
ازگردهای قیرگون کز خیز وجست خرسواران تعصب گشته بالا
کز آن نباشد
را ه عبور آنسوی صحراهای هول انگیز پیدا
زان خوابهایی کاندران پای دویدن را کشاند قهقراها جانب خویش
زآیندهء گمگشته در مجهول درهیچ
وزملتی درماندهء مجروح دلریش
می خواهم ازمهتاب سیمین
با اشک خونین
کز اینهمه در سینه اش تصویر کارد
وانگه همه تصویرهارا
درمحفل دردآفرین من بیارد
من درمیان اینهمه افغانستان خویشتن آن گوهر گمگشته را می جویم امشب
***
آئینهء مهتاب را با اشک های خویشتن می شویم امشب
آن آرزوهارا که دردل داشتم در گوش او می گویم امشب
می خواهم از وی
آندم که می تابد فراز کشورمن
آن هستی من
آن کشتهء گردیده تکرار
برلبهء هرتیغ همچون قلب درخون غرقهء غم پرور من
درخویشتن جاری کند لب تشنگی های وطن را
با جام همدردی بنوشد چشمه سار گریه های مرد وزن را
درسینه های دردمندان جای گیرد
بردارد از دل کوهسار درد ایشان
وزچشم ها چون چشمه ها جاری شود برچهره های زرد ایشان
می خواهم از دخت فلک آن نازنین آسمانگرد
آندم که می تابد فراز کشورمن
آنجا به رودعشق وایمان
درموج عطر راستی خوشبویی اخلاص وایثار
کزلاله زار گورهای غرقه درخون شهیدان
جاری بود در دوردست دشت نسیان
گردد شناور
برگردد آنگه
درمجلس تاب وتب من
درمحفل چشم ترمن
من با مشام برترین عشق جهان مهتاب را می بویم امشب
***
آئینهء مهتاب را با اشک های خویشتن می شویم امشب
آن آرزوها را که در دل داشتم درگوش او می گویم امشب
درد وطن در وسعتش چون آسمانهاست
زخم وطن همچون شفق خونین وبیش از کهکشانهاست
من همرهء اشک درشت آسمان مهتاب زیبا
در وسعت تنهائیم جاری شده می گریم ومی مویم امشب

# شعر مقاومت در دو دهه جهاد

بخش چهارم

دکتر شمس الحق آریانفر

تعهد در برابر اسلام، میهن و ملت در شعر هجرت حضور و وجود همگانی دارد تا آنجا که شعر هجرت سرا یا التزام و تعهد است و بس وقتی کشور را مصیبت و الم گرفته است شاعر متعهد عبدالاحد تارشی چنین نجوا دارد:

**امشب ز آتش دل من شد کباب شمع**
**تا دید ابدیدهٔ من، گشت آب شمع**
**بس شامهای تیره پر اوراق شب نوشت**
**از شرح درد مردم ما صد کتاب شمع**
**بیدار می نشیند و بسا دانه های اشک**
**گیرد زکشته، کشته میهن حساب شمع**
**گاهی کنار مرده خونبار مادری**
**تا صبحگاه خورد، بس پیچ و تاب شمع**
**باری به شام تار پدر مرده کودکی**
**پائیده نور دو صد آفتاب شمع**
**در قریه های سوخته در نیمه های شب**
**لرزیده از شهادت بس شیخ و شاب شمع**
**بنشسته در گذرگه ناله حزین**
**در صحنه های وحشت و رنج و عذاب شمع**
**در سوختن حلاوت عشق و شهادت است**
**این شیوه را نموده از آن انتخاب شمع**

و یا این سروده از بو علی تابش:

**گلوی سهوهٔ مرا درید داس**
**و خون سبز باغ را مکید داس**
**به خلوت نسیم و نخل و نی نمود**
**چه غمگنانه نخل را شهید داس**
**به چشم خویش دیدم آن شب شگفت**
**که ماه را بخاک و خون کشید داس**
**شکست استخوان سبز ساقه را**
**به بام غنچه شیون آفرید داس**

بخشی از سروده عبدالحی شیدا در ستایش وطن، که توصیف گیرا و آهنگیست از میهن باستانی مان افغانستان:

**زاد گاه بوعلی و خانهٔ فارابیان**
**میهن سید جمال آن داعی خرم روان**
**ملک بوریحان بیرونی شهید کاروان**
**خاک مولانا جلال الدین عریف عارفان**
**مرز و بوم نوریان شمس الضحی افغانستان**

و یا این ابیات از سید فضل احمد پیمان «سوگوار» که شکست و افتضاح روس را به سرایش گرفته است:

**شوروی گر میروی با خود شیاطین را ببر**
**پرچم حق ناشناس و خلق ببدین را ببر**
**هر چه ابزار از پی تعذیب ما آورده یی**
**اولچک و زولانه و شلاق و قمچین را ببر**
**ز آشیان ما برو چون کرگس بشکسته بال**
**خاطرات قدرت چنگال و شاهین را ببر**
**خجلت و بی اعتباری و شکست و افتضاح**
**حاصل انجام این پیکار خونین را ببر**
**یک کف خاکستری ازین همه آلات جنگ**
**ارمغان کرسی نشینان کرملین را ببر**
**تا جهان داند که اسباب شکست روس چیست**
**یادگار از ما به مسکو یک تبرزین را ببر**

## ۷- شعر اجتماعی و انگیزنده

شعر هجرت سرا پا بیان اجتماعیست و این ویژه گی در روح دوران شاعر الم رسیده و غربت کشیدهٔ مهاجر رسوخ یافته است که حتی عاطفی ترین سروده هایش را نتوانسته است رها از آلام اجتماع در تبیین آرد. دواوین اشعار و گزیده های شعری شاعران مهاجر در ایران و پاکستان را وقتی برگ گردانی میکنی، حتی یک قطعه را نمی توانی دریابی که در آن از اجتماع، میهن، مردم، تجاوز و قیام وجهاد سخن نرفته باشد. تا آنجا که برخی از شاعران حتی مصرعی هم در منازله با می و معشوق نخواسته اند بسرایند که معشوق شان وطن بوده است و می شان، بادیهٔ توحید.

ازینجاست که شعر محیط هجرت سرا با اختصاص یافته است در باز تاب دردهای اجتماع و مردم و با تکیه بر این مفاهیم در اوج انگیزندگی و تحریک و تحرک است که خواننده را نمی گذارد آرام و بی تفاوت بنشیند بلکه او را به رزم و نبرد و مبارزه می خواند و به حرکت می کشاند.

**به رزم اهرمن آی هم نبرد من ز جا بر خیز**
**قیود برده گی بشکن، علم کن قد ز جا برخیز**
**به تکبیری ز کابوس ستم خود را رهایی بخش**
**بعالم رستاخیز آمده تو هم دیده کشا برخیز**
**ای پلنگان! غیرت ای مردان پولادین ما**
**وای اگر امشب بلرزد بازوی سنگین ما**
**امشب ای بازو اگر دیوار شب را نشکنی**
**می شود تکرار از اول غربت دیرین ما**
**ما همان پیدا و پنهانیم از پشت غروب**
**آسمان بالید از مشت صلاح الدین ما**
**ما اگر پر طاقت از فصل زمستان بگذریم**
**غرق در زنبق شود دامان فروردین ما**
**زنبق کوهی بروید از تن هر تخته سنگ**
**بر فراز کوه اگر برپا شود تدفین ما**
**وقتی از ما می شود کاریدن گندم دریغ**
**بعد ازین از تیغ باید شانهٔ پرچین ما**

یا این سروده مهیج و انگیزنده از محمد آصف رحمانی، که مردان را به نبرد فرا می خواند:

**هلا: نه گاه درنگ است بار و بربندید**
**به خصم حوصله تنگ است بارو بر بندید**
**چوپای ماند ز رفتار باید رفت**
**گر انتهاست سردار، باز باید رفت**
**ز عمق حادثه به سوی نبرد می آید**
**ببین که نعرهٔ مردان مرد می آید**

این بیان عریان قیام و جهاد و شرح آلام اجتماع در راستای تحرک و پویایی آنگونه که در شعر هجرت دیده می شود، در شعر داخل کشور با چنین صراحت سراغ نمی گردد.

ولی باید بگویم:

اگر نا رضایتی از وضع، توجه به یک مدینهٔ فاضلهٔ رد زشتی ها و پلشتی ها و احتراز از نزدیکی به اصل ها و شیوه های ذلت بار مسلط دوران حاکمیت کمونیستی را در نظر داشته باشیم، اکثر شاعران خوبی که یاد آور گردیدیم راهیان این راه بوده اند، و اگر بیان محرک و با در نظر داشت تسلط اجیر منشی، سرایش بیباکانه و پر خطراجتماعی را در نظر داشته باشیم، بدون شک در داخل کشور مشخص ترین شاعر این عرصه شهید عبدالقهار عاصی است. تا آنجا که خطابش گاه گاهی مشخص میگردید.

**بگو برای غلامان**
**گلوی نغمه سرایان ساز ابریشم**
**نه بازتاب ده خشم سرخ طوفان است**
**شکنجه شان بکنید**
**که تا مراد "پرولتاریا" پدید آید**
**به ماه جیره معین کنید تا نرسد**
**و از خورشید**
**خراج بستانید**
**برای وسوسه (ودکا) بیاورید؟**
**هورا**
**هورا**
**چونین شکست سکوت**
**و طبل فاجعه کوبیده شد**
**بلند، مهیب.**
**بهار، پایان یافت**
**ریشه های گلاب**
**ز خون حادثه خوشد**
**سپاهیان اجیر**
**وایلجار به دوران رسیدهٔ مزدور**
**(دزد های سرگردنه)**
**به قتلگاه فرود آمدند و سر بزدند**
**و قتلگاه چون آغوش قاتلان تاریک**

در فرجام و در یک برآیند صمیمانه و گسسته از تعصب و تک مایگی می توانیم با جرأت ادعا کنیم که ادبیات و به ویژه شعر ما در دوران تسلط شوروی و رژیم مزدوران در داخل کشور و در محیط هجرت روند شگوفا و پر باری داشته است.

از لحاظ ماهیت و معنی شعر این دوره در کلیت بازتاب جهاد و مقاومت ملت در برابر اشغالگران و بیان نفرت و نفرین نسبت به لا مذهبان و مزدوران بوده است. اگر عدهٔ از شاعران وابسته رژیم مزدور را یکسو نهیم، باقی روند شعری ما، ماهیت همسان داشته است.

از لحاظ فورم و پرداخت های هنری و شعری، نیز شعر این یک دو دهه، نسبت به پنجاه سال گذشته، شکوهندگی دارد. در داخل کشور جباریت نظام حاکم شاعران را ناگزیر ساخت تا به تصاویر و تعابیر و بافت های بایستهٔ در بیان احساسات خویش دست یابند. و در خارج کشور رنج غربت و مشاهدهٔ بیدادی که بر مهاجران و ملت رفته بود و از سوی دیگر آشنایی و تماس با شعر شاعران کشور های دیگر، شاعران هجرت را به تصویر های زیبا و بیان های سوزنده و جانگداز رهنمون گردید که هر سر سروده یی از درد و احساسات انباشته و از اشک و خون لبریز است.

از نگاه کمی نیز، این دوره فصل درخشان شعر و ادب ماست. از آنجا که دردها و آلام در قالب شعر بهتر به سرایش می آید و موثریت ایجاد می کند، دریـن دوره که ملت ما رنج بزرگ و مصیبت عظیم قرن را تجربه می کرد، بیشتر از هر زمانی به کمیت شاعران افزوده گشت. در کنار آلام بزرگ ملی و اسلامی که ملت به این می اندیشید، یورش فرهنگی بیگانه و شوروی ها که میخواستند فرهنگ ما را نابود کنند، تکانهٔ دیگری شد در توجه به شعر و ادب و فرهنگ از سوی ملت آگاه و آگاهان عرصهٔ فرهنگ، از این جاست که دریـن دورهٔ ارتش پرگسترهٔ را در قلمرو فرهنگ در محیط های هجرت و در داخل کشور شاهد هستم. این غنا و این باروری ها شیوهٔ جهاد و ژرفنگری آگاهان جامعهٔ ماست که باید آن را به عنوان فصل زرین تاریخ خویش پاسداریم و بر آن ببالیم، نه اینکه با هم بستیزیم که آن وقت فرهنگ به رکود مواجه خواهد شد. کنش هایی که سیر شگوفایی فرهنگ را لگام زند، بار آور عقدهٔ ها و کینه ها و افتراق باشد و از زمینه های دیگر جز قلمرو فرهنگ مایه بسته باشد، عملکردی است ضد فرهنگی، چه فرهنگ ما، فرهنگ اسلامی است و مبین همه سجایای ملی ما.

# آلودگی صوتی

## مشکل دیگر زیست محیطی در جامعهٔ ما



عبدالمعین شاهد

اصطلاح آلودگی بیشتر به زباله ها، کثافات و مواد گندیده و فاضله اطلاق می شود که تأثیرات ناگواری بر محیط زیست وارد نموده به صحت و سلامت زنده جانان مخصوصاً انسان ها آسیب می رساند. اکنون در همهٔ کشورها، سازمان ها و مؤسساتی برای حل این معضل بهداشتی و زیست محیطی برپا گردیده و سرمایه گذاری صورت می گیرد.

اما سطح توجه به این مساله، در همه جا یکسان نیست، در برخی جوامع عقب مانده و فقیر مانند افغانستان، برنامهٔ عملی و کارساز در زمینه وجود ندارد، در نتیجه شهرها و محل های زیست انباشته از آلودگی های زیست محیطی و کثافات می باشد.

در دنیای امروز، علاوه برپرداختن براین آلودگی، آلودگی های دیگری هم که، به محیط زیست انسان آسیب می رساند مورد بحث قرار دارد. یکی از این آلاینده ها آلاینده های صوتی" است. در جامعهٔ ما علاوه بر کثافات و زباله ها که جاده و کوچه ها انباشته از ان آست آلودگی صوتی به پیمانهٔ بزرگی وجود دارد که بر اثر آن آرامش روحی و جسمی انسان های زیادی صدمه دیده است اما، متأسفانه تا هنوز به عنوان آلودگی به آن توجه صورت نگرفته است.

موزیک مهمترین مورد آلاینده های صوتی در جامعه ماست، تقریباً هیچ جای را نمی توان یافت که در آنجا موزیک با صدای بلند شنیده نشود. در وسایط نقلیه، هتل ها، بازار، سرک، مناطق مسکونی، فروشگاه ها و... بدون وقفه موزیک پخش می شود. وقتی شما در موتری می نشینید، بدون وقفه مجبور هستید موزیک بشنوید، فرقی نمی کند شما آن موزیک را می پسندید و یا نمی پسندید؛ اهمیتی ندارد صحت جسمی و وضعیت روانی شما مساعد شنیدن موزیک است و یا نیست، مجبور هستید وچاره جزشنیدن ندارید. در سفرهای کوتاه مانند گشت و گذار در شهر، این حالت تا اندازه یی قابل تحمل است اما، وقتی به سفرهای دورتر مانند بدخشان و یا هرات می روید و مجبور شوید بدون وقفه، ده ساعت، حتی ۲۰ ساعت موزیک بشنوید، دیگرواقعا برای برخی ناراحتی شدیدی ایجاد می کند و غیر قابل تحمل می شود. خواندن های بازاری و مبتذل و بی ذایقه یی که جز ایجاد خستگی و افسردگی روانی سودی ندارد. در بازار و جاده ها و هتل ها مجبور می شوید موزیک بشنوید، آن هم توسط بلندگوهای قوی که از چندین سوپخش می شود. در برخی عروسی ها و مراسم خوشی، توسط بلند گوهای بزرگ در طول شب موزیک پخش می شود، بر اثر آن صدها بلکه، هزاران انسان را ناراحت می سازند و خواب آن ها را مختل می کنند. صدای این نوع موزیک ها چنان بلند وگوش خراش است که، تا فاصلهٔ چند کیلومتری انسان را آزار می دهد و آرامش شب را برهم می زند، مطمئناً کسانی که در نزدیکی پخش این موزیک، قرار دارند، نمی توانند هیچ لذتی احساس کنند، هدف برگزارکنندگان این مراسم بهره مند شدن از موزیک نیست، می خواهند فخر بفروشند و به دیگران نشان بدهند که توانسته اند، چنین مراسمی را برگزار کنند. آن ها در مورد این که آرامش دیگران، مخصوصاً همسایه ها را از میان می برند و خواب را در چشمان کودکان، سالخوردگان و افراد بیمار برهم می زنند، نمی اندیشند. اگر بتوانند از این اصوات و موزیک لذت ببرند، اما آیا این لذت بردن ارزش آن را دارد، که آرامش و خواب دیگران را برهم بزنیم وآن هارا اذیت کنیم، اگر هدف شان شنیدن موزیک و بهره مندشدن از آن باشد، بهتر است در محیط بسته یی بنشینند و با صدای آرام تر و موزونی موزیک بشنوند.

در جاهای دیگر، مردم موزیک می شنوند اما، نخست توجه دارند که آن موزیک به دیگران، مخصوصاً همسایه ها، همسفرها و افراد نزدیک اذیتی نرساند. حتی وقتی با رفیقی صحبت می کنند، توجه دارند، دیگران را اذیت نکنند.

اما در جامعهٔ ما شما اگر در موتری یا هتلی پیشنهاد کنید که، پخش موزیک را متوقف کنند و یا حد اقل درجهٔ آن را پایین نمایند، با مخالفت دریور و یا عدهٔ دیگر رو به رو می شوید، اگرچه شما بر اساس مریضی و یا نا راحتی که دارید چنین پیشنهادی را مطرح نمایید.

برخی عقیده دارند موزیک هیچگاه نمی تواند برای کسی ناراحتی ایجاد نماید، چون موزیک غذای روح است و حرف های دیگر. بلی موزیک می تواند لذت بخش باشد، این را نمی توان انکار کرد، در تعلیمات دینی هم که بعضی انواع موزیک ناروا دانسته شده، علت آن این نیست که موزیک ناراحتی به وجود می آورد و هیچ لذتی ندارد، بلکه علت دلایل دیگری است که اکنون من در این جا در صدد پرداختن به آن نیستم، بلکه می خواهم به این مطلب که پخش ناخواستهٔ موزیک چه اذیت ها و آلودگی های صوتی می تواند ایجاد کند اشاره نمایم، در این موضوع می خواهم این حقیقت را یادآور شوم که پخش موزیک به مدت دراز و یا شنیدن موزیک هایی که مورد پسند نیست، در تعذیب مدرن امروزی، به عنوان وسیلهٔ دردآور شکنجه به کارگرفته می شود. پخش موزیک با چنین شیوه، چنان اثرات ناراحت کنندهٔ روانی و عصبی به میان می آورد که متهم و یا قربانی چاره یی جز اعتراف در خود نمی بیند. اما چرا چنین وضعیت یعنی آزار رسانی برای دیگران در جامعهٔ ما وجود دارد و چه عواملی را می توان در آن مؤثر دانست؟

به نظرمن می توان درزمینه به چند علت اشاره نمود:

نخست این که، آن احساس اخلاقی و انسانی که به راحت هم نوع اهمیت قایل است، از اذیت و آزار دیگران احساس شرمندگی می کند و لذت و شادی و منفعت خویشتن را در ناراحتی و ضرر دیگران جستجو نمی کند، در جامعهٔ ما وجود ندارد و یا بسیار اندک است.

درست است که، دین اسلام که مردم ما افتخار ایمان و پایبندی به آن را دارند، برترین باورها و آموزه های اخلاقی و اجتماعی را به ارمغان آورده است. پیامبر اسلام فرمود؛ مسلمان کسی است که دیگران از اذیت و آزار دست و زبان او در امان باشند؛ برداشتن سنگ از راه، که موجب راحت دیگران می شود، نکوکاری است؛ کسی که موجب اذیت همسایه اش می شود، مسلمان نیست. اما متأسفانه، به این آموزه ها و ارزش های دینی توجهی صورت نمی گیرد و در رفتار و کردار و گفتار ما تجلی نمی یابد.

دلیلی دیگرآزار رسانی توسط موزیک آن است که در کشور ما قانونی وجود ندارد که این نوع آلودگی زیست محیطی و اذیت رسانی را تعریف کند و از آن جلوگیری نماید. درست است که ارزشهای دینی و اخلاقی متعالی داریم اما، باید توجه داشت که در هیچ جامعه اخلاق، هرچند که پشتوانهٔ باورهای عمیق عقیدتی و هنجاری داشته باشد نمی تواند به تنهایی برای سازمان دهی رفتارهای اجتماعی و اصلاح کردار افراد جامعه کافی باشد، حتی آموزه های دینی اگر ضمانت اجرایی نداشته باشد، نمی تواند کافی باشد. همیشه ضرورت وجود قانون که تطبیق آن توسط دستگاه های اجرایی و انتظامی جامعه تضمین گردد، احساس می گردد، حتی در جوامعی که پیامبران ساختند و افراد آن را مطابق روح ادیان آسمانی تربیت کردند، باز هم ضرورت وجود قانون شدیداً احساس می شد و پیامبران و جانشینان آن ها به کیفر بدکاران می پرداختند.

لازم است دستگاه های قانون گذاری و لایحه سازی، مانند پارلمان و نهادهای اجرایی و انتظامی مانند شورای وزیران، وزارت عدلیه و سارنوالی و یا محکمه قانون و یا دستورنامه صادر نمایند و آلودگی صوتی و راه های جلوگیری از آن را مشخص سازند. مثلاً نشر و پخش موزیک توسط بلند گو را ممنوع اعلان کنند. به رادیوهایی که جز پخش موزیک و یا صحبت های تیلفون برنامهٔ دیگری ندارند بگویند لازم است موضوعات تربیتی و آموزشی را نیز شامل برنامه های خویش سازند.

دلیل دیگر آن است که پخش گسترده و فراوان موزیک مورد حمایت شماری از منابع خارجی و داخلی قرار می گیرد، آن ها گمان می کنند ترویج موزیک، نوع مدرن شدن، مبارزه با رادیکالیزم مذهبی و ایجاد اصلاحات فرهنگی و اجتماعی است، در حالی که این اشتباه است، و این نوع اشتباهات در کشور ما فراوان تکرار می گردد.

**در جاهای دیگر، مردم موزیک می شنوند اما، نخست توجه دارند که آن موزیک به دیگران، مخصوصاً همسایه ها، همسفرها و افراد نزدیک اذیتی نرساند. حتی وقتی با رفیقی صحبت می کنند، توجه دارند، دیگران را اذیت نکنند**

***

**لازم است دستگاه های قانون گذاری و لایحه سازی، مانند پارلمان و نهادهای اجرایی و انتظامی مانند شورای وزیران، وزارت عدلیه و سارنوالی و یا محکمه قانون و یا دستورنامه صادر نمایند و آلودگی صوتی و راه های جلوگیری از آن را مشخص سازند. مثلاً نشر و پخش موزیک توسط بلند گو را ممنوع اعلان کنند. به رادیوهایی که جز پخش موزیک و یا صحبت های تیلفون برنامهٔ دیگری ندارند بگویند لازم است موضوعات تربیتی و آموزشی را نیز شامل برنامه های خویش سازند**

## پل دوستی افغانستان و ...

در حیات مردم افغانستان بود اما در آن زمان این پل بیشتر برای مقاصد نظامی کارآمد داشت و آخرین سرباز روس از این مسیر از افغانستان خارج شد اما امروز آن پل دوستی به حالت نیمه متروک درآمده است.

مشکل افغانستان در ایجاد رابطهء ترانزیتی میان جنوب آسیا و آسیای میانه تنها در ناامنی های داخلی نیست. کشور هائی که ما انتظار داریم از این مسیر با آسیای میانه به داد وستد بپردازند بین خود نیز به مشکلاتی مواجه اند.

اینکه از این پل بعنوان وسیله ای برای انتقال مواد مخدر استفاده شود از نگرانی های جانب تاجکستان است که حتی در زمان افتتاح پل نیز به آن اشاره شد. می دانیم که امسال افغانستان با تولید بیش از هشت هزار تن تریاک، ریکارد جدیدی در تولید این مادهء مرگ آور قایم کرد و این مسئله موجب نگرانی بسیاری از کشور ها از جمله همسایه های ماست.

با توجه به فساد اداری حاکم در کشور های افغانستان و تاجکستان، بعید نیست که این پل به یکی از مسیر های انتقال مواد مخدر مبدل گردد. بخصوص که بیاد داریم در دوران طالبان، بخشی از مواد مخدر افغانستان از طریق دریای پنج به تاجکستان انتقال می یافت.

یکی دیگر از موارد استفاده از این پل استفادهء نظامی است. می دانیم که امریکا در تاجکستان یک پایگاه نظامی دارد. این پل می تواند در انتقال ساز وسامان جنگی و وسایل مورد نیاز سربازان خارجی در افغانستان کارآمد باشد.

به هرحال تعمیر این پل قدمی بسوی نزدیک تر شدن روابط میان ملت های افغانستان و تاجکستان است و امید است در آیندهء نه چندان دور شاهد رونق تجارت قانونی میان آسیای میانه و آسیای جنوبی از این مسیر باشیم. همانگونه که در گذشته ها افغانستان در مسیر راه ابریشم این نقش را ایفا کرده است.

# حــذف مــعینیت جــوانـــان

## نتیجهٔ بحران و بی باوری

پوهندوی عبدالعلی کوهی / استاد دانشگاه کابل

**در وضعیت کنونی کشور طوری که ملاحظه می شود، تعدادی از جوانان از حوزهٔ آموزش و پرورش و فرصت های شغلی به دور مانده اند، هیچ نهاد و مؤسسهٔ داخلی دولتی که بتواند از حقوق آنها دفاع نماید،وجود ندارد. وجود و عدم این معینیت و سایر نهادها برای جوانان کشور یکسان می باشد و حذف آن از نظر منطق صوری ارسطو فقط تحصیل حاصل خواهد بود**

دانشمندان امروز به این نتیجه رسیده اند که موضوع عمده انکشاف بشری سرمایه نیست؛ بلکه ظرفیت های بشری است که توسط آموزش و پرورش به دست می آید.

برنامهٔ انکشافی ملل متحد انکشاف بشری را توسعهٔ توانایی انتخاب انسان ها می داند که آنها بتوانند امکانات بالقوهٔ خود را انکشاف بدهند، نخستین و اساسی ترین گام های انکشاف بشری انسان ها، همانا قابلیت و توانایی های آنان است از عمر طولانی و زندگی صحتمند برخوردار گردند، میزان بلند سواد و آموزش و رفاه اجتماعی از شاخص های انکشاف بشری محسوب می شود. انکشاف بشری، همانا توسط سرمایه گذاری بالای جوانان در جهت آموزش و پرورش حاصل می شود.

در افغانستان که مردم با معضلات بزرگ اقتصادی و اجتماعی رو به رو می باشند، کار و تلاش های شبا روزی جوانان در جهت کسب آموزش از نیازهای اصلی رفع این معضلات است. بدون شک رسیدن به یک زندگی مرفه، آرام، آبرومندانه و به دور از کمک دیگران، در گرو کوشش و تلاش های نسل جوان کشور می باشد.

چالش هایی که افغانستان درگیر آن است مانند اعمال دهشت افگنی، مواد مخدر، فساد اجتماعی و نا امنی، این جوانان هستند که از آن متضرر می شوند. جوانان به خاطر فقر، بیکاری، بی سوادی، نا آگاهی و نا امنی شکار گروه های تروریست و تبهکار می شوند و در جنایات پلان شده از سوی مخالفان دولت، شرکت می کنند. هر دو جانب درگیر در صدد سربازگیری از جوانان می باشند. در تعدادی از ولسوالی ها زمینهٔ تعلیم و تربیهٔ ابتدایی برای جوانان وجود ندارد مثلاً گفته می شود در ولسوالی های نورستان برای دختران، هیچ لیسه یی وجود ندارد و آنهایی که توانایی مالی دارند، جهت ادامهٔ تحصیل وارد کشورهای همسایه چون ایران و پاکستان می شوند.

در حال حاضر توجه جدی به مسایل جوانان و تربیت آنان، نه تنها حق شهروندی ایشان است بلکه از وظایف اساسی دولت می باشد. ما نیاز به فعلیت بخشیدن انرژی جوانان می باشیم اما متأسفانه این سرمایهٔ ملی رایگان از دست می رود و ما قادر نیستیم آن را شامل جریان اقتصادی و انکشاف کشور نماییم.

بعد از ادارهٔ مؤقت ظاهراً در جهت حل دشواری های جوانان، نخست وزارتی به نام جوانان در هیأت کابینه گنجانیده شد، بعد از مدتی آن را نظر به تورم تشکیلاتی و بحران مالی در چوکات وزارت اطلاعات و فرهنگ مدغم ساختند. ولسی جرگه در یکی از جلسات اخیر خویش این معینیت را از تشکیل این وزارت حذف نمود و دلیل آن را این بار نیز تورم تشکیلاتی عنوان نمود دیده می شود که توجه چندان به این نسل صورت نمی گیرد و آنها در حالت بلاتکلیفی به سر می برند. هرچند گاه و بیگاه نشست هایی در رابطه به دشواری های جوانان در سطح دولت برگزار می گردد و مشکلات آنان جمع بندی می گردد، طوری که چند روز قبل از جشن استقلال یک نشست سه روزه در کابل دایر گردیده بود و در آن خواسته ها و مطالبات جوانان مورد بحث قرار گرفت و امید آن می رفت که دولت بتواند به این قشر نیازمند و قابل ترحم که انکشاف بعدی کشور به آنها وابسته است، گام هایی عملی بردارد، اما طوری که دیده شد ولسی جرگه در یک نشست خویش به این تشکیلات پایان داد و تشکیل معینیت جوانان را حذف کرد!

وزارت مستعجل جوانان و به تعقیب آن معینیت جوانان نتوانست برنامهٔ عملی مشخص را در برای جوانان به وجود بیاورد. کار و مصروفیت های سالم را برای جوانان تدارک ببیند، حتا این معینیت نتوانست درمیان اتحادیه های جوانان که در شهر کابل فعالیت می نمایند، اعتبار پیدا نماید.

در وضعیت کنونی کشور طوری که ملاحظه می شود، تعدادی از جوانان از حوزهٔ آموزش و پرورش و فرصت های شغلی به دور مانده اند، هیچ نهاد و مؤسسهٔ داخلی دولتی که بتواند از حقوق آنها دفاع نماید،وجود ندارد. وجود و عدم این معینیت و سایر نهادها برای جوانان کشور یکسان می باشد و حذف آن از نظر منطق صوری ارسطو فقط تحصیل حاصل خواهد بود؛ زیرا در موجودیت آن نه کسی چیزی به دست آورده بود که در نبود آن از دست بدهند. حتا این معینیت ظرفیت یک انجوی داخلی را هم نداشته است که بتواند به تعداد کوچکی از جوانان فرصت های شغلی را فراهم سازد. در جهت فراگیری و مهارت های عملی و فنی آنها را یاری رساند.

همینگونه است ارگان های مربوط به زنان از جمله وزارت امور زنان که تا کنون نتوانسته است برنامه یی مشخص و عملی را برای زنان کشور به وجود بیاورد، فقط در پوشش چند شعار مانند، جندر، شلتر خود را زنده نگهداشته است و... طوری که سالانه فقط هشتم مارچ با تشریفات معمول تجلیل می شود و چند ورکشاپ در داخل وزارت دایر می گردد. در حالی که نظر به قانون اساسی افغانستان زنان می توانند در همهٔ ارگان های دولتی و غیر دولتی حضور فعال داشته باشند نمی شود با ایجاد یک چنین وزارت که نه برنامهٔ کاری اش محسوس است و نه زنان موجودیت آن را به نفع خویش می دانند.

تا زمانی که دولت نتواند صلح سراسری را در کشور تأمین نماید و زمینه های شغلی را برای متقاضیان کار فراهم سازد، طوری که در همایش بن به آن تعهد سپرده شده است، با تشکیل یک چنین نهادهای نمی توان وضعیت را سر و سامان داد و اگر روزی این وزارت ها و ارگان ها از کابینهٔ دولت حذف گردد، افغانستان چیزی را از دست نخواهد داد. این تزیید و حذف ها فقط سردرگمی و بی برنامگی دولت را نشان می دهد که به ایجاد تشکیلی با عجله تصمیم می گیرد و با گذشت چند روز پشیمان می شود و آن را حذف می کند.

# گرانی در کشور بیداد می کند

ابوبکر سبزوار

**دولت مدعی است که محصول گمرکی در افغانستان در مقایسه با کشور های همسایه کم است اما به این مسأله توجه ندارد که پاتک سالاران یونیفرم دار بیشتر از محصول گمرکی دولت از مال التجاره رشوه می گیرند. تاجران نیز مصارف مسیر راه را نیز روی قیمت مواد وارداتی اضافه می کنند و در نتیجه قیمت ها روز بروز بلند می رود**

زمانی می توان از روابط حسنه میان دولت و ملت سخن گفت که ملت دولت را متعلق به خود بداند و زمانی چنین تصور از دولت در ذهن یک ملت به وجود می آید که دولت در خدمت ملت باشد و آرامی و رفاه ملت را نصب العین خود قرار دهد. اگر دولتمردان از حال ملت بی خبر باشند و به حال زار اکثریت مردم توجه نکنند، چنین دولتی از حمایت ملت بهره نخواهد برد. فرجام این حالت زوال دولت است.

در کشور ما متأسفانه فاصله میان دولت و ملت به شکل نگران کننده یی رو به افزایش است. از مناطق مختلف کشور خبر از ناامنی و جنگ می رسد اما متأسفانه دولتمردان ما بر حقایق روشن و مسلم چشم پوشیده اند و گمان می کنند خبر نارضایتی ها فقط شایعهٔ مخالفان است.

طی چند هفتهٔ گذشته قیمت تیل و گاز در کشور به شکل سرسام آوری بلند رفته است. قیمت یک لیتر پترول از سی وپنج افغانی به بیش از پنجاه افغانی و از یک کیلو گاز از سی و دو افغانی به شصت افغانی افزایش یافته است. دولت برای این که نشان دهد به فکر ملت است، در چند تانک تیل معدود دولتی به عرضهٔ تیل پترول به قیمت سی وچهار افغانی پرداخته است بدون این که در این مورد کنترل دقیقی وجود داشته باشد که هر روز چقدر تیل به این تانک ها داده می شود و چقدر آن توزیع می گردد. مردم در صف طویل هر روز ساعت ها در انتظار نوبت می ایستند.

بلند رفتن قیمت پترول و گاز روی قیم مواد ارتزاقی تأثیر مستقیم از خود برجا نهاده است و در شرایطی که ماه رمضان نیز نزدیک است، بلند رفتن قیمت ها موجب نگرانی عمیق مردم ما گردیده است اما دولت مانند همیشه به این باور است که اقتصاد بازار آزاد ایجاب می نماید تا دولت از مداخله در بازار اجتناب نموده و بگذارد تا میکانیزم عرضه و تقاضا در بازار تعادل را به میان آورد.

در قانون اساسی ما سیستم اقتصادی کشور بازار آزاد پیشبینی شده است و به همین دلیل نمی توان امید داشت تا دولت در اقتصاد مداخله نماید. در این کشور ده ها سال است که تیوروی های مختلف یکی بعد دیگر تجربه می شود و این بار نیز دست اندرکاران اقتصادی کشور به این باورند که برای رسیدن به فردای بهتر باید یک نسل قربانی بدهد. رسیدن به رفاه اقتصادی که بازار آزاد إن شاءالله تا پنجاه سال بعد به میان خواهد آورد هدف دولت است. تا آن زمان مشکلاتی از قبیل ثروت مند شدن یک اقلیت کوچک به قیمت فقر اکثریت اعضای جامعه موجود خواهد بود. اما برای رسیدن به فردای بهتر پنجاه سال زمان زیادی نیست. ما باید حوصله داشته باشیم!

اما دلیل اصلی این وضع این است که عده یی طماع به امید دست یافتن به ثروت های باد آورده، ورود پترول و گاز را در انحصار خود در آورده اند. در کشوری که سخن از اقتصاد بازار آزاد در میان است، متأسفانه قوانینی که بتواند فعالیت های این بازار را قانونمند سازد وجود ندارد. همین وضع موجب گردیده که چپاولگری به اوج خود برسد.

تنها سکتور خصوصی دست به غارت مردم نمی زند دولت نیز در این کار دست در دست غارتگران دارد. اگر دیروز سخن از پاتک سالاری در مسیر راه ها به وسیلهٔ گروه های مسلح غیر مسؤول بود، امروز عین کار را کسانی انجام می دهند که یونیفرم به تن ذارند و از طرف دولت برای امنیت راه ها به کار گماشته شده اند.

دولت مدعی است که محصول گمرکی در افغانستان در مقایسه با کشور های همسایه کم است اما به این مسأله توجه ندارد که پاتک سالاران یونیفرم دار بیشتر از محصول گمرکی دولت از مال التجاره رشوه می گیرند. تاجران نیز مصارف مسیر راه را نیز روی قیمت مواد وارداتی اضافه می کنند و در نتیجه قیمت ها روز بروز بلند می رود.

در کشور ما دولت همه اختیار را در بست و در کف سکتور خصوصی نهاده است و این سکتور خصوصی نیز چون گرک گرسنه به جان ملت افتاده است. در کشور های دیگر، سکتور خصوصی از راه رقابت قیمت ها را کاهش می دهد و این رقابت به نفع مصرف کننده ها تمام می شود اما در کشور ما قانون منع انحصار وجود ندارد. وقتی چند تاجر باهم بسازند و قیمتی را برای متاعی تعیین نمایند، مردم چاره یی جز خرید ندارند.

در کشور های دیگر که اقتصاد بازار آزاد موجب رشد اقتصادی شده است ناشی از این است که سکتور خصوصی در حدی از تولید رسیده است که هریک از تولید کنندگان تلاش دارند تا برای ماندن در بازار، تولیدات خود را به قیمت کمتر و کیفت بهتر به بازار عرضه نمایند اما در این کشور وضع چنین نیست. در اینجا تولید داخلی وجود ندارد و تمام نیاز های ما از طریق واردات تأمین می شود. تجارت اکثر اقلام ضروری نیز در انحصار چند تاجر انگشت شمار است.

نتیجهٔ این وضع این است که گروهی انگشت شمار که با مقامات بالای دولتی نیز رابطه دارند، روز به روز ثروتمند تر می شوند در حالی که اکثریت مردم این کشور در زیر خط فقر حیات به سر می برند.

در کشوری که درگیر جنگ است، این وضع به میزان نارضایتی ها خواهد افزود و کار به جایی خواهد رسید که دیگر همه چیز از کنترل خارج خواهد شد. اما به نظر می رسد که قانون اساسی دست و پای دولت را بسته است و دولت مجبور است همین نظام اقتصاد بازار آزاد را حمایت کند هرچند این کار به قیمت بسیار گران برای ملت و دولت هردو تمام شود.

# قوانین اسلامی

## و ویژگی های مهم آن

مولوی نذیر احمد

در این تردیدی نیست که انسان در مسایل فردی و اجتماعی به قانون ضرورت مبرم دارد؛ زیرا قانون به مثابهٔ خونی است که در عروق و رگ های جامعه جریان دارد.

بشر عصر حاضر گرچه در علم و صنعت به پیشرفت هایی چشم گیر نایل آمده ولی از تشخیص مصالح و شناخت مفاسد زندگی خود عاجز است و راه سعادت خویش را درست نمی شناسد. از این رو جز در پرتو دین و وحی الهی نمی تواند قوانین زندگی را به وجه کامل آن درک نماید.

چنانچه در این باب دکتر میلر بروز می گوید: در پرینستون از انشتین شنیدم که می گفت: "علم ما را به آنچه هست آگاه می کند، تنها دین و وحی ما را از آنچه سزاوار است که باشد مطلع می سازد". تفاوت دیگر میان علم و دین در این رابطه است که علم بشر را بر طبیعت مسلط می سازد ولی دین او را بر خویشتن خودش!

بوسوئه می گوید: "مردم گمان می کنند که سعادت رسیدن به آرزو است، در صورتی که نایل شدن به هر نوع آرزو سعادت نیست، مهم ترین رکن نیک بختی آن است که شخص، اول بداند و بتواند که چه چیز را باید بخواهد و آرزو کند. آنگاه اگر به چنین خواسته و آرزویی رسید سعادتمند شده است. ولی اگر مصلحت خود را تشخیص نداد و بر نفس خود تسلط نداشت و اراده اش تحت اختیارش نبود چه بسا که چیزهایی را آرزو کند که زیان آور و خطرناک است.

پیشرفت های سریع و شگفت انگیزی که انسان در قرون معاصر در ساحهٔ علم و صنعت به دست آورد او را بیش از حد مغرور ساخته و چنین می پندارد که به قوانین دین نیازی ندارد، لذا باید اصلاح تمام مفاسد و تأمین سعادت کامل جوامع خویش را از علم و عقل درخواست نماید، ولی تجارب تلخ دو قرن اخیر که موازات پیشرفت انسان در ساحهٔ علم و هنر، مفاسد، جنایات، امراض روانی و اجتماعی او نیز روز افزون گردید، او را به خطای عجیبش متوجه نمود، در نتیجه امیدی که نسبت به علم و عقل داشت به یأس مبدل گشته و گرایش به قوانین دینی در وی ایجاد گردید.

در این باب کتاب ها و مقالات بسیاری توسط دانشمندان بزرگ و محقق امثال آلکسیس کارل، کنت دوینی، کریس موریسن و تعداد زیادی از متخصصان علوم مختلف انتشار یافته است و همگی گواه صادق بر گرایش بشر به سوی قوانین الهی اند.

اما آنچه در این میان اهمیت دارد این است که قوانین اسلام با جامعیت و شمولیتی که دارد جایگاه ویژه یی را نزد اندیشمندان کسب کرده است تا جایی که بعضی از دانشمندان منصف که با اسلام و قوانین آن آشنایی پیدا کرده اند - هرچند مسلمان نبوده اند - با صراحت کامل اعلام نموده اند که داروی جمیع دردها و حل همهٔ مشکلات را می توان از اسلام به دست آورد. چنانچه در این مورد فیلسوف شهیر انگلیسی برنارد شاو می گوید: "به نظر من اگر مردی چون محمد "ص" صاحب اختیار دنیایی جدید امروزه شود وی در حل مسایل و مشکلات دنیا توفیق خواهد یافت که صلح و سعادت مورد آرزوی بشر تأمین خواهد شد". و نیز می گوید: "به نظر من اسلام تنها دین و مذهبی است که استعداد توافق و تسلط بر حالات گوناگون و صور متغیر زندگی و مواجهه با قرون مختلف را دارد".

**پیشرفت های سریع و شگفت انگیزی که انسان در قرون معاصر در ساحهٔ علم و صنعت به دست آورد او را بیش از حد مغرور ساخته و چنین می پندارد که به قوانین دین نیازی ندارد، لذا باید اصلاح تمام مفاسد و تأمین سعادت کامل جوامع خویش را از علم و عقل درخواست نماید، ولی تجارب تلخ دو قرن اخیر که موازات پیشرفت انسان در ساحهٔ علم و هنر، مفاسد، جنایات، امراض روانی و اجتماعی او نیز روز افزون گردید، او را به خطای عجیبش متوجه نمود، در نتیجه امیدی که نسبت به علم و عقل داشت به یأس مبدل گشته و گرایش به قوانین دینی در وی ایجاد گردید**

این بیان نمونه یی اندک است از اعترافات بسیاری بیگانگان که در مورد اسلام و قوانین آن ابراز داشته اند و در این نوشتار کوتاه به تشریح بیشتر از این نیازی وجود ندارد.

یگانه قانونی که بر معارف و تعلیمات مربوط به مبدأ و معاد و مسایل عادی، اخلاقی، تاریخی و... شمولیت دارد، قانون قرآن است که در واقع علاوه بر آن، جامعیت نیز دارد، قرآن کریم قوانین مربوط به فرد و اجتماع را به صورت کامل آن بیان نموده و انسان را به پیروی از شارع اعظم راهنمایی می نماید.

**که قوانین اسلام با جامعیت و شمولیتی که دارد جایگاه ویژه یی را نزد اندیشمندان کسب کرده است تا جایی که بعضی از دانشمندان منصف که با اسلام و قوانین آن آشنایی پیدا کرده اند ـ هرچند مسلمان نبوده اند ـ با صراحت کامل اعلام نموده اند که داروی جمیع دردها و حل همهٔ مشکلات را می توان از اسلام به دست آورد**

اسلام محاسن و ویژگی هایی دارد که قوانین آن را بر قوانین بشری مزیت بخشیده است و اینک ما ویژگی های مهم قوانین اسلامی را بیان می نماییم:

شرع در اصل به اوامر خداوند برای بندگان به وسیلهٔ قرآن و سنت بیان شده گفته می شود و شامل دو بخش است: عقیده و عمل.

آنچه مختص عقیده است و به عمل نیازی ندارد به علم کلام و توحید مربوط است. همچون ایمان به ملائکه علیهم السلام. در این بخش گواهی کفایت می نماید و عمل به آن انجام نمی یابد.

بخش دوم که علاوه بر عقیده به عمل هم نیاز دارد به علم فقه ارتباط دارد. همچون نماز، روزه، جهاد و...

فرائض عملی با خود سه فرض به همراه دارند:

۱- علم به آن ۲- عقیده به آن ۳- عمل با اخلاص برای آن

و در فرایض اصولی که شامل علم توحید است دارای "علم" و "عقیده" است و بس، خلاصه شرع اسلامی شامل مسایل شرعی اعتقادی و شرعی عملی می باشد که ما در این نوشتار ویژگی های عملی را بیان می نماییم.

### ویژگی اول

اساس و مصدر شریعت اسلامی خداوند متعال است که آن را به وسیلهٔ قرآن و سنت یعنی لفظ و معنی (قرآن) و معنی تنها (سنت) به قلب رسول خود نازل نمود تا برای مردم ابلاغ نماید.

### ویژگی دوم

شریعت فراگیر و جاویدان است بدین معنا که تمام مسایل مربوط به انسان را مطابق هر زمان و مکان بیان نموده است، چنانچه قرآن کریم در این مورد تصریح می نماید: "بگو! ای مردم من فرستادهٔ خداوند به سوی همهٔ شما می باشم."

جاودانگی شریعت بدین معناست که هیچ گونه نسخ و تغییری در آن بعد از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم روی نمی دهد. قواعد و احکام آن، تأمین کنندهٔ مصالح همهٔ انسان ها در تمام اعصار و پاسخ گوی نیازمندی های آنان در هر زمینه است؛ زیرا واضع شریعت خداوند علیم و حکیم است که به تمام زمان ها، مکان ها و مصالح هر عصر و دوره یی آگاه و بیناست. از این روی بر تمام جوانب حیات انسان قوانین را وضع نموده است که این قوانین شامل دو بخش می شود؛ فقه عبادات و فقه معاملات. فقه معاملات شامل احکام مدنی، جنایی، مرافعات و اجراآت مدنی و دولتی و احکام اقتصادی و... می باشد.

### ویژگی سوم

حل و حرمت امتیاز دیگری است که قانون الهی بر سایر قوانین وضعی دارد؛ زیرا بر مبنای قوانین الهی هر کاری و هر تصرفی شرعی که انجام می گیرد بر اساس اندیشهٔ حلال و حرام است و این امری است که موجب بروز اخلاق حسنه شده و افکار و عادت سیئه را می زداید.

### ویژگی چهارم

ارتباط قانون و فقه اسلام با اخلاق مزیت دیگر فقه اسلامی است. وجود انسان ترکیبی از ماده و معنا، جسم و روح است و زندگی او نیز از دو بخش تشکیل شده، زندگی مادی و زندگی معنوی. از نظر افرادی که تنها به زندگی مادی معتقدند هر عملی که به مسائل مادی جامعه لطمه وارد ننماید، گرچه آبرو، عزت، اخلاق و دین را هدر دهد، مجاز است ولی قوانین اسلامی برای اخلاق قویم و رعایت فضایل تشویق و تحریص می نماید و عبادات برای تزکیهٔ نفس و دوری از منکرات است.

### ویژگی پنجم

تعیین جزا و ثواب بر اعمال ویژگی دیگر قانون اسلامی است، بر مبنای قوانین اسلامی مجرم جزاء داده می شود و بر دو نوع است: جزای دنیوی و جزای اخروی.

جزای دنیوی شامل جزای مقرره، شرعی (حدود) و غیر مقرره (تعزیر) می باشد و جزای اخروی، جزای اعمال قلبی است مثل: حسد، حقد، قصد ضرر رسانیدن، سوء ظن و... و گاهی مرتکبین جزای اعمال ظاهری به سبب انجام نیافتن جزای دنیوی (حدود و قصاص) مستحق جزای اخروی می گردند.

ثواب به مانند جزا بر دو نوع است: اطاعت و امتثال احکام و اوامر شرع ثواب است و همچنان اجتناب و پرهیز از نواهی و معاصی و این امتیازی است که قوانین اسلامی از قوانین وضعی بشری دارد و چون ثواب و عقاب دارای جهات مختلف می باشد احکام آن ها هم دو جهت دارد:

۱- احکام دنیوی
۲- احکام اخروی

حکم دنیوی ناظر بر افعال. اقوال و تصرفات ظاهر انسان است و هیچ ارتباطی به حالات پنهانی و باطنی قضیه ندارد و این حکم قضایی است زیرا قاضی به آنچه مقدور است و ظاهر حال نزدش ثابت می گردد، حکم می کند و در واقع حکم قاضی، حلال را حرام، حرام را حلال، حق را باطل و باطل را حق نمی گرداند و اجرای این حکم الزامی است.

حکم اخروی، بر حقیقت آنچه در نفس الأمر است بنا یافته هر چند بر دیگران مخفی بوده و فقط طرفین قضیه واقعیت را بدانند و عمل به آن به آنچه بین بنده و خداوند عجز و جل است و احکامی را که مفتی بر آن اعتماد می کند و فتوی می دهد شامل این حکم می گردد، زیرا فتوی خبر دادن حکم شرعی بدون الزام است.

### ویژگی ششم

ویژگی دیگر قوانین اسلامی سهل گیری و فاقد حرج و مشقت بودن آن است. خداوند "ج" در این مورد می فرماید: "خداوند برای شما آسانی را می خواهد و دشواری را نمی خواهد". امثال این آیات در کتاب عزیز موجود است که سهولت احکام را بیان می نماید و رسول اکرم "ص" پیرامون این موضوع می فرمایند: "محبوبترین آئین نزد خداوند کریم آیین پاک و آسانگیر است".

قوانین و دساتیر خداوند استثناآتی دارد که در حالات مختلف سهولت را نشان می دهد. به طور مثال، روزه گرفتن در ماه مبارک رمضان برای مریض، مسافر و دیگر معذورین فرض نمی باشد و می توانند در وقت توان، قضای آن را به جا آورند. و اقامهٔ نماز برای مریض مطابق توان او فرض گردیده است.

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان و مال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش
هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

# مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم سال ششم شمارهٔ هفدهم شنبه ۱۰ سنبله ۱۳۸٦ ۱۸ شعبان المعظم ۱٤۲۸ - 02 September, 2007

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

**شعار ما**

رضاي خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ملت



# پل دوستی افغانستان و تاجیکستان

احمد جاهد

یکشنبه هفتهء گذشته پل دوستی که دو کشور افغانستان و تاجیکستان را با هم وصل می سازد، به روی دریای پنج افتتاح شد. در مراسم افتتاح این پل علاوه از رؤسای جمهور افغانستان و تاجیکستان، آقای کارلوس کاتیریوس وزیر تجارت امریکا هم حضور داشت.

این پل با مصرف در حدود سی و هشت میلیون دلار به کمک ایالات متحدهء امریکا در مدت دوسال اعمار گردیده و شیرخان بندر افغانستان را به ختلان در تاجیکستان وصل می کند. طول این پل ۶۷۲ متر و عرض آن یازده متر است.

مقامات دولتی ما در نقش و اهمیت این پل در ایجاد روابط در عرصه های مختلف از حیات مردمان دو کشور سخن گفتند و آن را احیای مسیر راه ابریشم در این منطقه دانستند. در این که قدم دیگری در ایجاد رابطه میان آسیای میانه و جنوب آسیا از مسیر افغانستان برداشته شده است شکی نیست اما نباید در این مورد آن قدر امیدواری خلق کرد که گویا این پل در کوتاه مدت منافع بزرگ به ارمغان خواهد آورد. پلی میان دو کشور جنگ زده به کمک مالی امریکا ساخته شده است. اگر این پل منافعی برای دو کشور دارد در شرایطی است که افغانستان بتواند موقف خود به عنوان وسیط ترانزیتی میان کشور های جنوب آسیا و آسیای میانه را تثبیت نماید و داد و ستد از مسیر رونق بگیرد. این کار در شرایط نا به سامان فعلی زیاد امیدوار کننده نیست.

به یاد می آوریم که قبل از این، در دههء هشتاد میلادی پل دوستی دیگری بر فراز رودخانهء آمو توسط اتحاد شوروی ساخته شد که حیرتان را به ترمز در ازبیکستان وصل می کرد. در آن زمان هم سخن از تأثیرات اقتصادی این پل

ادامه در ص۵

# بی نظیر بوتو و مشرف در آستانهٔ توافق قرار دارند



بی نظیر بوتو نخست وزیر سابق پاکستان از نزدیکی موافقت بر سر تقسیم قدرت با پرویز مشرف خبر داده است. وی که در حال حاضر در لندن در تبعید به سر می برد در مصاحبه گفته است اگر چه قرار دادی میان وی و مشرف امضا نشده است اما استعفای رئیس جمهور پاکستان از فرماندهی ارتش حل گردیده است. این مطلب را طرفداران مشرف نیز تأکید کرده اند.

نواز شریف نخست وزیر دیگر پاکستان که، وی نیز از سال ۱۹۹۹ بدین سو در تبعید به سر می برد، اعلان نموده است طی دو هفتهٔ آینده به پاکستان باز خواهد گشت. دادگاه عالی پاکستان اخیراً به نفع نواز شریف جهت بازگشت به پاکستان حکم صادر نموده است. نواز شریف مذاکره با مشرف را رد نموده گفته است باید وی از قدرت کنار برود. اما پرویز مشرف با بازگشت نواز شریف به پاکستان اعلان مخالفت نموده است.

اخیراً موضع پرویز مشرف در داخل مراکز قدرت در پاکستان تضعیف گردیده، و این کشور در آستانهٔ یک تحول دیگر قرار گرفته است.

در صورت بازگشت نخست وزیران پیشین پاکستان و مشارکت آنها در انتخابات قریب الوقوع آن کشور که، ظرف چند ماه آینده برگزار می شود، رقابت شدیدی میان احزاب و جریان های بزرگ سیاسی این کشور صورت می گیرد. گفته می شود، بازگشت مجدد مسلم لیگ و حزب مردم پاکستان در صحنهٔ سیاسی آن کشور، به منظور تضعیف جریان های



سیاسی مذهبی صورت می گیرد که، در نتیجهٔ یک ائتلاف توانستند در انتخابات گذشته در ایالت سرحد، اکثریت کرسی های مجلس ایالتی را به دست آورده و حکومت ایالتی را تشکیل نمایند.

نواز شریف و خانم بوتو، دو سیاستمدار با نفوذ در پاکستان می باشند که می توانند تأثیرات وسیعی در جامعهٔ پاکستان داشته باشند. اما مانند همیشه، قدرت واقعی در پاکستان در دست ISI و ژنرالان بلند پایهٔ اردو باقی خواهد ماند.

# طالبان بیش از ۱۰۰ سرباز پاکستانی را در وزیرستان جنوبی اسیر نمودند

افراد مسلح طرفدار طالبان طی یک حملهٔ غافلگیرانه به یک کاروان بزرگ نظامی حکومت پاکستان در منطقهٔ ناآرام وزیرستان جنوبی بیش از ۱۰۰ سرباز را اسیر نموده و سلاح آنان را به دست آوردند.

مقامات پاکستانی اعلان نمودند که این کاروان نظامی شامل ۱۶ نفر بری نظامی بود که می خواستند وارد شهر وانه گردند.

گفته می شود این کاروان در کمین افراد مسلح افتیده و این افراد بدون جنگ به اسارت طالبان در آمده است.

به دنبال سرکوب طالبان در مسجد سرخ اسلام آباد پاکستان موج شدید نا آرامی و فعالیت های مسلح طالبان علیه عساکر پاکستان شدت اختیار نموده و تا کنون طی این نا آرامی ها بیش از صد عسکر پاکستان کشته شده است.

## عبدالله گل رئیس جمهور ...

اعضای حزب عدالت و توسعه، این حزب رهبری قوای سه گانهٔ دولت ترکیه را از آن خود می سازد، کنترل حکومت و پارلمان قبلاً در دست این حزب قرار داشت.

با آن که حزب عدالت از افراد دارای گرایش های اسلامی تشکیل یافته اما، این ادعا را که گرایش های اسلامی داشته و در صدد تغییر نظام سیکولار ترکیه می باشد، نمی پذیرید، اما هواداان نظام ترکیه، از جمله ارتش که خود را حافظ میراث اتاترک می داند، حزب مذکور را به داشتن طرح هایی برای تغییر نظام متهم می نمایند.

با توجه تقابل مراکز نفوذ در ترکیه ثبات و نیرومندی دموکراسی ترکیه از سوی صاحب نظران مورد تردید قرارگرفته است و این امکان را که روزی ارتش ترکیه به بهانهٔ حفاظت نظام سیکولار دست به کودتا بزند را رد نمی کنند. ارتش ترکیه از سال ۱۹۶۷ بدین سو، چهار بار اقدام به کودتا نموده و حکومت های منتخب را سرنگون کرده است.

اما فکر می شود که زمینه های یک کودتای نظامی در ترکیه، تا اندازهٔ زیادی تضعیف گردیده است.

از میان رفتن شانس پیوستن به اتحادیهٔ اروپا، ایجاد مخالفت های مردمی در برابر کودتا، و گستردگی هواداران حزب توسعه ممکن است پیامدهای کودتا در ترکیه باشد.

حزب رفاه و عدالت که موفقیت هایی چشمگیر اقتصادی برای مردم ترکیه به دست آورده است، از محبوبیت چشمگیری برخوردار می باشد.

مطالعهٔ عوامل پیروزی حزب عدالت و توسعه در عرصهٔ جامعه شناسی سیاسی ترکیه جالب توجه است، چگونه شد که یک حزب مشهور به اسلام گرایی درکشوری که، همه نهاد های قدرت در دست هواداران سیکولاریزم و مخالف گرایش های اسلامی است و این نهادها حدود ۸۰ سال همهٔ زمام های امور جامعه را در دست داشتند به پیروزی رسید، صاحب نظران طرح های اقتصادی حزب عدالت و توسعه را مبارزهٔ موفقانه علیه فساد اداری، ایجاد اشتغال را در پیروزی این حزب مؤثر می دانند، از سوی دیگر ناکامی احزاب لیبرال و سیکولار برای ایجاد اصلاحات اقتصادی را با اهمیت تلقی می کنند یعنی مخالفین حزب اسلام گرایی حاکم.

اما عامل دیگری که نمی توان از آن چشم پوشی کرد، جریان گرایش مردم به سوی دین داری و مذهبی شدن جامعه می باشد، به طوری که در ترکیهٔ امروزی کسانی که به مسجد می روند و یا زنانی که رو سری می پوشند روز تا روز افزایش می یابد. این پدیده د رکشورهای دیگری مانند جمهوری آسیای میانه که حدود ۷۰ سال تحت حاکمیت نظام کمونیستی و ضد دینی اتحاد جماهیر شوروی قرار داشتند، نیز قابل ملاحظه است.

## ششمین سالگرد شهادت قهرمان ملی در ایران...

را در سالن همایش های دانشکدهٔ علوم اداری و اقتصادی این دانشگاه به این مناسبت برگزار می کند.

بدین منظور شماری از شخصیت های سیاسی و فرهنگی افغانستان جهت اشتراک در این همایش از سوی دانشگاه فردوسی مشهد دعوت شده اند، و قرار است جناب استاد برهان الدین ربانی یکی از سخنرانان در این همایش باشد.

گفته می شود تجلیل از ششمین سالگرد شهادت قهرمان ملی افغانستان شهید مسعود آغازی است از یک برنامهٔ بزرگ که در طی آن از قهرمانان ملی و الگوهای مقاومت و آزادی خواهی ملت های مبارز در برابر استعمار از سوی دانشگاه فردوسی تجلیل خواهد شد.

همچنان امسال بدین مناسبت به سان سال های پیش هم از سوی دولت و هم از سوی بنیاد شهید احمد شاه مسعود برنامه هایی ویژه در گرامیداشت از ششمین سالگرد شهادت قهرمان ملی در نظر گرفته شده است.